



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۶ اسفند ۱۴۰۱

موضوع کلی: احکام قطع

مصادف با: ۴ شعبان ۱۴۴۴

موضوع جزئی: آثار قطع - بررسی امکان جعل یا سلب آثار قطع - تتمه کلام محقق خراسانی -

بررسی کلام محقق خراسانی - حق در مسئله امکان جعل یا سلب - طبق نظر محقق اصفهانی

جلسه: ۷۹

سال چهاردهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### تتمه کلام محقق خراسانی

بحث در امکان جعل یا رفع آثار سه گانه از قطع بود. کلام محقق خراسانی ذکر شد؛ تتمه‌ای از کلام ایشان باقی مانده که این را نیز بیان می‌کنیم و بعد انشاء الله آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد و به اصل موضوع رسیدگی می‌کنیم.

محقق خراسانی فرمودند به طور کلی نه جعل حجیت و طریقت و وجوب متابعت برای قطع ممکن است و نه سلب آن؛ زیرا اینها از لوازم غیر قابل انفکاک قطع محسوب می‌شوند و کسی نمی‌تواند بین لازم و ملزوم تفکیک ایجاد کند.

بعد فرمود علاوه بر این، یک مشکله دیگری که اینجا پیش می‌آید اجتماع الضدین است، اعتقاداً و حقیقتاً؛ «مع أنه یلزم منه اجتماع الضدین اعتقاداً مطلقاً و حقیقتاً فی صورة الاصابه كما لا یخفی»؛ اگر کسی بخواهد منجزیت و معذرت را از قطع سلب کند، اجتماع ضدین لازم می‌آید هم به حسب واقع و هم به حسب اعتقاد. زیرا وقتی که شارع مثلاً به مکلف می‌گوید اگر به حکمی قطع پیدا کردید قطع شما حجت نیست، مثلاً اگر قطع پیدا کردی که نماز جمعه واجب است، این قطع برای شما حجت ندارد، نماز جمعه واجب نیست، متابعت و پیروی از این دستور لازم نیست. این یک تالی فاسد مهمی دارد، زیرا دو حالت اینجا پیش می‌آید:

یا این قطع مطابق با واقع است یا مطابق با واقع نیست. یعنی این که یقین پیدا کرده به وجوب نماز جمعه، به حسب واقع نیز نماز جمعه نیز واجب است. اینجا شخص قاطع که اعتقاد به وجوب نماز جمعه پیدا کرده، وقتی مواجه می‌شود که شارع به او گفته این قطع برای تو حجت نیست، یعنی نماز جمعه واجب نیست، اگر اعتقاد این شخص را در نظر بگیریم به یک معنا جمع بین نقیضین پیش می‌آید. زیرا از یک طرف قاطع به وجوب نماز جمعه شده است و از طرف دیگر شارع به او گفته است که نماز جمعه واجب نیست، پس به حسب اعتقاد هم باید معتقد به وجوب نماز جمعه شود، هم عدم وجوب نماز جمعه و این ممکن نیست. پس در صورتی که اصابه به واقع کند این کاملاً روشن است.

در صورتی که اصابه به واقع هم نکند همینطور است. این وقتی اعتقاد دارد به وجوب نماز جمعه، اگر شارع به او بگوید این یقین حجت نیست، این معنایش این است که نماز جمعه واجب نیست، پس این در اعتقادش هم به وجوب و هم به عدم وجوب باید معتقد شود، این محال است و جمع بین نقیضین است.

ممکن است جمع بین ضدین پیش بیاید. اجتماع ضدین چطور پیش می‌آید؟ اینکه مثلاً اعتقاد به وجوب نماز جمعه پیدا کند از آن طرف هم شارع بگوید این یقین تو حجت نیست، حداقل معنایش این است که دیگر وجوب نماز جمعه از بین برود و جایش استحباب و حرمت بیاید یا ممکن است حرمت بیاید، اینکه هم نماز جمعه واجب باشد و هم حکم دیگری غیر از عدم وجوب داشته

باشد، این جمع بین ضدین است به حسب الاعتقاد. پس چه به واقع اصابت بکند و چه نکند، اعتقاداً اجتماع ضدین لازم می‌آید. از یک طرف معتقد شده به وجوب نماز جمعه به خاطر یقینش، از یک طرف هم شارع به او گفته است نماز جمعه واجب نیست، یا یک حکم دیگری برایش ثابت است؛ این به حسب اعتقاد مطلقاً اجتماع ضدین یا نقضین پیش می‌آید.

اما در صورت اصابه یعنی قطعش مطابق با واقع در بیاید و نماز جمعه به حسب واقع واجب باشد و او هم یقین به وجوب نماز جمعه پیدا کند، اگر در این بین شارع بگوید نماز جمعه واجب نیست، اینجا واقعا تضاد و تناقض پیش می‌آید، نه به حسب اعتقاد او، چرا؟ زیرا هم شارع او را مکلف به نماز جمعه کرده، هم تکلیف را از او برداشته، هم گفته نماز جمعه واجب است، زیرا او یقین پیدا کرده و فرض هم این است که یقینش با واقع مطابق است و هم خود شاعری که نماز جمعه را واجب کرده گفته نماز جمعه استحباب دارد، این به حسب واقع مشکل تضاد پیدا می‌کند. پس چه اعتقاداً و چه واقعا سلب حجیت و منجزیت و معذرت از قطع، مستلزم این تالی فاسد است.

**سوال:**

**استاد:** اینجا مشکل واقعی در صورت اصابه پیش می‌آید، زیرا در صورت عدم اصابه، شارع چیزی نگفته است که بگوییم واقعا تضاد پیش می‌آید، اینجا فقط صورت اصابه مورد نظر است.

**سوال:**

**استاد:** بله چه اصابه به واقع بکند و چه نکند، چون ملاک یقین و اعتقاد اوست، چه به واقع اصابت کند و چه نکند تناقض یا تضاد پیش می‌آید، اما در صورت اصابه آنجا دیگر به حسب واقع تضاد پیش می‌آید.

### **بررسی کلام محقق خراسانی**

از همین بیان اخیر محقق خراسانی شروع می‌کنیم یعنی مسئله تضاد. ما الان با مدعای محقق خراسانی کاری نداریم، اینکه امکان جعل یا سلب آثار از قطع نیست حرف درستی است، منتهی دلیل ایشان را می‌خواهیم بررسی کنیم درست است یا خیر؟ دلیل این مسئله تضاد و تناقض بود. آیا این دلیل می‌تواند این مدعا را اثبات کند یا خیر؟ اینجا اشکالاتی به این دلیل محقق خراسانی شده است. امام خمینی اشکال کردند به محقق خراسانی، دیگران نیز اشکالاتی اینجا دارند.

### **اشکال امام خمینی**

اساساً تضاد بین احکام مشکلی ندارد، نمی‌توانیم به خاطر اینکه جعل یا سلب مستلزم تضاد می‌شود بگوییم پس سلب یا جعل آثار از قطع ممتنع است، زیرا اصل تضاد بین احکام امر غیر معقولی نیست. محقق خراسانی البته در مسئله تضاد قائل به عدم امکان شدند اما امام خمینی یک مبنایی دارند در تضاد بین احکام که ایشان می‌گویند تضاد بین امور در عالم تکوین ممتنع است، اما تضاد بین امور در عالم اعتبار ممکن است و محذور و مشکلی ندارد، مثلاً شما اگر بخواهید این دیوار را معروض دو صفت متضاد قرار دهید نمی‌شود، یعنی این دیوار را هم سفید کنید و هم سیاه، در یک زمان نه در طول هم، چون در طول هم اشکال ندارد، اول رنگ سفید می‌زنید، این دیوار می‌شود معروض سفید و بعد از مدتی رنگ سیاه می‌زنید و این دیوار می‌شود معروض سواد، این اشکالی ندارد. ولی در زمان واحد نمی‌تواند این دیوار هم سفید باشد هم سیاه، هم زمان، اگر یک قسمتش را سفید و قسمت دیگر را سیاه کنید،

اینکه دیگر عروض وصفین متضادین بر موضوع واحد نیست، نصف بالا سفید و نصف پایین سیاه، عمده این است که بخواهد کل این دیوار هم سفید باشد هم سیاه. در امور تکوینی جسم واحد نمی‌تواند معروض دو صفت متضاد در زمان واحد قرار بگیرد. اما در امور اعتباری هیچ محذور و مشکلی نیست، چه محذوری دارد که ما بیابیم یک امری را اعتبار کنیم به نحو خاصی که بین آنها تضاد باشد، این محذوری ندارد. می‌گویند در امور اعتباری این مشکلی ندارد. حال ما بحثش را مفصل قبلا کردیم. در مسئله اجتماع امر و نهی این بحث مطرح شد که آیا اجتماع امر و نهی ممکن است یا خیر؟ محقق خراسانی مقدماتی بیان کردند، یکی از مقدمات ایشان همین مسئله تضاد بین احکام بود. اینجا تطبیق کنیم بحث را که ببینیم چطور می‌شود در امور اعتباری تضاد پیش بیاید و مشکلی هم نداشته باشیم؟ فرض کنید کسی یقین به وجوب نماز جمعه پیدا کند، این یقین تحقق پیدا کرده، بعد شارع بیاید بگوید چنانچه کسی یقین به وجوب نماز جمعه پیدا کرد، نماز جمعه واجب نیست. اینجا الان از یک طرف این شخص یقین به وجوب نماز جمعه پیدا کرده است، بعد شارع گفته اذا قطعت بوجوب نماز جمعه، شرط کرده اگر یقین به وجوب نماز جمعه پیدا کردی در این صورت نماز جمعه واجب نیست، آیا این ممتنع است؟

امام خمینی می‌گویند این ممتنع نیست، نه اعتقادا و نه واقعا؛ واقعا مشکلی و محذوری وجود ندارد برای اینکه چه محذوری دارد که شارع از یک طرف نماز جمعه را واجب کند ولی بعد بگوید اگر یقین به وجوب جمعه پیدا کنی نماز جمعه واجب نیست، این محذور عقلی ندارد، هرچند لغو است؛ فرق می‌کند بین مسئله لغویت و محذور عقلی و امتناع عقلی؛ امتناع عقلی، غیر از مسئله لغویت است، البته لغویت در مورد خدا هم ممتنع است ولی فرق می‌کند مرتبه امتناع. بله اینکه شارع بگوید از یک طرف نماز جمعه واجب و از یک طرف بگوید اگر یقین پیدا کردی وجوب از تو برداشته می‌شود، اینجا هیچ محذور عقلی پیش نمی‌آید، اجتماع ضدین پیش نمی‌آید، هرچند جعل حکم دوم مشروطا علی القطع بعد از حکم اول لغو خواهد بود و خداوند تبارک و تعالی که حکیم علی الاطلاق است مرتکب لغو نمی‌شود زیرا یک امر قبیحی است و صدور امر قبیح از خداوند متعال ممتنع است، ولی این امتناع و محذور، غیر از امتناع و محذوری است که محقق خراسانی گفتند. بنابراین مسئله اجتماع ضدین به عنوان یک محذور عقلی اینجا پیش نمی‌آید، هرچند لغویت به قوت خودش باقی است و این فرق می‌کند که بگوییم این محذور عقلی دارد و ممتنع عقلی است.

در صورتی هم که اعتقاد آن شخص باشد، باز هم محذوری نیست. یعنی از یک طرف این معتقد باشد به وجوب نماز جمعه و یقین به آن پیدا کرده باشد، از طرف دیگر هم این حکم برداشته شود، بگوییم نماز جمعه واجب نیست. چه در صورت اصابت و چه در صورت عدم اصابت اجتماع ضدین پیش نمی‌آید. زیرا این اعتقاد و یقین پیدا کرده و از آن طرف هم دیده که شارع خودش از حجیت این یقین سلب اثر و حجیت و منجزیت و معذرت می‌کند. این چه محذوری دارد؟ هیچ محذور عقلی پیش نمی‌آید هرچند ممکن است قبح آن سرجایش باشد زیرا لغو است و کار لغو از حکیم سر نمی‌زند.

### **حق در مسئله امکان جعل یا سلب آثار از قطع**

پس به طور کلی آنچه محقق خراسانی اینجا فرموده در مورد عدم امکان سلب حجیت از قطع، محل اشکال است. اشکال مهمی هم که اینجا مطرح بود را بیان کردیم. حال حق در مسئله چیست؟ دلیلی که بر این امر اقامه می‌کنیم چیست؟ محقق خراسانی که دلیلشان قبول نشد، اما ما سه اثر برای قطع بیان کردیم و بعد ملاحظه کردید که مبانی در این باره مختلف است، طبق مبنای مشهور و مبنای مختار و مبنای محقق اصفهانی بالاخره اینها قابل جعل هستند یا خیر؟

### طبق نظر محقق اصفهانی

طبق نظر محقق اصفهانی مطلب روشن است. اگر ما نظر محقق اصفهانی را قبول کنیم که حجیت برای قطع از احکام مجعوله عقلائییه است، تکلیف روشن است. محقق اصفهانی فرمود، مسئله طریقییت که عین قطع است، لذا آن اثر محسوب نمی‌شود، دو تا اثر باقی می‌ماند: یکی متابعت و یکی حجیت و منجزیت ایشان وجوب متابعت را هم با منجزیت و حجیت یکی دانست.

پس ایشان از بین سه اثر یکی را که انکار کرد و گفت این اثر نیست، این عین قطع است. آن دو را هم در واقع یک اثر دانست، حال اگر ما منجزیت و معذرت را از احکام مجعوله عقلائییه دانستیم باید بگوییم جعل حجیت برای قطع و سلب حجیت از قطع ممکن است، زیرا اساسا ایشان اینها را از احکام مجعوله عقلائییه می‌دانند. وقتی می‌گویند اینها از احکام مجعوله عقلائییه و از آرائی هستند که تطابقت علیه العقلاء، عقلاء بر آن توافق کردند، این دیگر قیاستها معها است، وقتی عقلا توافق کنند پس این مجعول آنهاست و اگر عقلا توافق نکنند و یا توافق بر نفی یا سلب کنند می‌شود سلب، فرقی نمی‌کند. پس این همه به دست عقلاء است. پس جعل و سلب منجزیت و معذرت طبق نظر محقق اصفهانی ممکن است. مسئله طریقییت را هم ایشان عین قطع دانست و لذا خود به خود از آن احکام سه گانه کنار می‌رود و مسئله وجوب متابعت از قطع را نیز ایشان فرمود از احکام عقلیه است و اثر قطع نیست، این یک حکم عقلی است که توضیح دادیم. لذا یک اثر بیشتر برای قطع قائل نبودند که آن هم معذرت و منجزیت بود که تازه آن را هم فرمودند که معجول عقلائییه است.

پس این اثر با این مبنایی که ایشان گفتند، هم قابلیت جعل دارد و هم سلب. اما بنا بر انظار دیگر.

«والحمد لله رب العالمین»